

واکاوی نقش فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی

قاسم فتاحی^۱، داراب ظفریان^۲، حجت الله شیروانی^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی نقش فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، بر مبنای آرای تورستن هاگراسترنند سوئدی، مفهوم‌پرداز نظریه «پخش» یا «اشاعه» است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر روش کتابخانه‌ای، اسنادی و تاریخ شفاهی به بررسی نقش فرهنگیان در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که فرهنگیان چگونه و از چه راه‌هایی در تحولات مرتبط با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ در چهارمحال و بختیاری ایفای نقش کرده‌اند؟ نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگیان چهارمحال و بختیاری، با استفاده از راهکارها و شیوه‌های گوناگون از گروه‌های مؤثر در صحنه مبارزه با حکومت پهلوی بوده‌اند. معلمان و دبیران در اوج مبارزات انقلابی در سال ۱۳۵۷ و حتی سال‌های قبل از آن تلاش گسترده‌ای برای آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان و توده‌های مردم، در جهت مبارزه با حکومت شاه و در راستای حمایت از نهضت انقلابی انجام دادند و نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ در استان داشته‌اند.

کلیدواژگان: فرهنگیان، انقلاب اسلامی، پهلوی، چهارمحال و بختیاری.

۱. دکترای تخصصی تاریخ، پژوهشگر آزاد و استاد مدعو دانشگاه شهرکرد. شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

gh5fatahi@gmail. Com.

۲. دکترای تخصصی تاریخ، استاد مدعو دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

d_zafariyan@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، ایران.

shrvani@gmail.com

Analyzing the role of Chaharmahal and Bakhtiari cultural figures in the Islamic Revolution

Ghasem Fattahi¹/Darab Zafarian²/ Hojjatollah Shirvani³

Abstract

The aim of the present article is to examine the role of educators in Chaharmahal and Bakhtiari in the formation and victory of the Islamic Revolution, based on the ideas of the Swedish scholar Torsten Hägerstrand, the theorist of the "diffusion" concept. This study, employing a descriptive-analytical approach and relying on documentary methods and oral history, investigates the role of educators in the process of shaping and achieving the victory of the Islamic Revolution in Chaharmahal and Bakhtiari. The main research question is: How, and through what means, did educators participate in the developments leading to the formation and victory of the Islamic Revolution of February 1979 in Chaharmahal and Bakhtiari? The findings show that the educators of Chaharmahal and Bakhtiari, through various strategies and methods, were among the influential groups in the struggle against the Pahlavi regime. Teachers and instructors, at the height of revolutionary struggles in 1978 and even in the preceding years, made significant efforts to raise awareness among students and the masses in order to fight against the rule of the second Pahlavi monarch and to support the revolutionary movement. They played a highly important and decisive role in the victory of the Islamic Revolution of February 1979 in the province.

Keywords: Educators, Islamic Revolution, Pahlavi, Chaharmahal and Bakhtiari.

1. PhD in History, independent researcher and visiting professor at Shahrekord University.
Responsible author.

2. PhD in History, Visiting Professor, Shahrekord University of Medical Sciences.

3. Master of Political Science, Deputy Director of Culture, General Directorate of Culture and Islamic Guidance, Chaharmahal and Bakhtiari Province.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با حضور و مشارکت اقشار مختلف مردم به پیروزی رسید. فرهنگیان در دوران مبارزه با رژیم پهلوی از نیروهای بسیار تأثیرگذار و محوری نهضت بودند. از مهم‌ترین فعالیت‌های معلمان و دبیران علاوه بر مبارزات سیاسی، می‌توان به مبارزه فکری و فرهنگی علیه نظام پهلوی اشاره کرد. معلمان در این عرصه با آگاهی‌بخشی به جامعه، افشاگری علیه حکومت شاه و تلاش برای مقابله با چالش بحران هویت ایجاد شده، فعالیت‌های خود را به انجام رسانیدند. فرهنگیان علاوه بر دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان سایر اقشار جامعه را به جریان انقلاب علاقه‌مند کرده و سبب فراگیر شدن گفتمان انقلابی شدند. جلوه‌های حضور معلمان در عرصه‌های مختلف مبارزه و در طول سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به اشکال و انواع مختلف نمود پیدا کرده است.

در آغاز دهه ۱۳۵۰، هم‌زمان با فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی روحانیون مبارز در مساجد و مراکز مذهبی؛ فرهنگیان غالباً فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را در مدارس و مراکز آموزشی دنبال می‌کردند به شکلی که از نیمه دوم سال ۱۳۵۷، فعالیت انقلابی از مساجد به مدارس توسعه یافت و بیشتر مدارس به کانون‌های مبارزاتی تبدیل شدند. بنابراین در سال ۱۳۵۷، مدارس و مراکز آموزشی مهم‌ترین پایگاه فرهنگیان برای تبلیغ و مبارزه علیه رژیم پهلوی بود و معلمان و دبیران در کنار سایر گروه‌های مبارز و انقلابی و در برخی از موارد جلوتر از آنان، از طریق انجام تحصن و تجمع و شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، نقش بسیار مؤثری در جریان انقلاب ایفا کردند. فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری از جمله نیروهای فعال و جلودار در مبارزه با رژیم پهلوی بودند. در برخی از شهرها و مناطق چهارم‌حال و بختیاری تظاهرات و تحصن‌های فرهنگیان مهم‌ترین صدای اعتراض علیه حکومت پهلوی بود. بررسی اسناد، شواهد و مدارک موجود بیانگر حضور گسترده و نقش تعیین‌کننده فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی است.

بارزترین و تأثیرگذارترین ویژگی معلمان و دبیران، شرکت فعال در جبهه مبارزه فرهنگی بود. آنان با اتکا بر آگاهی‌دادن به مردم و تبلیغ و ترویج باورهای دینی به همراه روشنگری علیه اقدامات حکومت پهلوی، مدارس را به کانون آگاهی‌بخشی و تبلیغ و ترویج افکار انقلابی مبدل کردند و با اشاعه اندیشه‌ها و باورهای خود زمینه را برای احاطه همگونی گفتمان انقلابی فراهم کردند (زارعی، ۱۳۹۵: ۹). شواهد و مدارک موجود بیانگر مشارکت فراگیر بخش بزرگی از جامعه فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ است. مسئله اصلی در این تحقیق، واکاوی نقش و تأثیر فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی است و به این سؤال کلی پاسخ خواهیم داد که فرهنگیان چگونه و از چه راه‌هایی در تحولات مرتبط با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ در استان چهارمحال و بختیاری ایفای نقش کرده‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

به جز چند پژوهش کلی که با موضوع انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری به انجام رسیده و در آن‌ها اشارات مختصر و پراکنده‌ای به نقش فرهنگیان شده، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در این باره انجام نشده است. از جمله آثار تا حدی مرتبط با موضوع این پژوهش، موارد زیر را می‌توان برشمرد: مجموعه کتاب‌های اسناد ساواک (۱۳۸۳ و ۱۳۸۸) که توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات در ۲۵ جلد چاپ و منتشر شده است و در این مجموعه، اسناد و گزارش‌هایی با موضوع اقدامات و فعالیت‌های فرهنگیان در راستای آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان و مشارکت در فعالیت‌های انقلابی برای مبارزه با حکومت پهلوی به چشم می‌خورد. یک جلد مستقل از این مجموعه نیز با عنوان: «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار چهارمحال و بختیاری»، توسط اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۸ تدوین شده است. در این آثار اسنادی از نقش فرهنگیان

در انقلاب اسلامی منتشر شده است. مریم نیکوزاد (۱۳۹۱)، نیز در پایان‌نامه خود تحت عنوان: «روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در شهرکرد» به بررسی رویداد انقلاب اسلامی در مرکز استان می‌پردازد. در بخش‌هایی از این اثر به نقش فرهنگیان در فعالیت‌های انقلابی اشاره شده است. کتاب «انقلاب اسلامی در بروجن»، که توسط مریم رفیعی (۱۳۹۴)، تدوین شده است، تحولات سیاسی و اجتماعی شهر بروجن تا زمان پیروزی انقلاب را مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۴۰۲). در اثری با عنوان: «انقلاب اسلامی در شهرکرد»، به تحولات انقلاب اسلامی در شهرکرد می‌پردازد. در این دو اثر و در مبحث نقش گروه‌های مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در شهرکرد و بروجن، به نقش فرهنگیان در سازماندهی نیروهای انقلابی نیز اشاراتی شده است.

رساله‌ای نیز با عنوان: «تبیین و چگونگی شکل‌گیری مبارزات مردمی چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی»، توسط ماشاءالله ایزدی (۱۳۹۵)، به رشته تحریر درآمده است، که اشارات پراکنده‌ای به موضوع مورد مطالعه این تحقیق دارد.

تفاوت اصلی پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی، در پرداختن به نقش یک گروه اجتماعی خاص یعنی فرهنگیان در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و در محدوده جغرافیایی چهارمحال و بختیاری با تکیه بر اسناد و تاریخ شفاهی و با هدف سامان‌دهی یک پژوهش مستقل برای بررسی و تحلیل تاریخی موضوع مورد مطالعه و بر مبنای یک نظریه است که در تحقیقات قبلی مرتبط با مباحث انقلاب اسلامی در استان، دیده نمی‌شود. بنابراین نوشتار حاضر نخستین مقاله‌ای است که نقش فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. مبانی نظری

۱.۳. **نظریه پخش:** نظریه «پخش» یا «اشاعه» برای اولین بار در سال ۱۹۵۳م، توسط تورستن هاگراسترند جغرافی‌دان سوئدی طرح و سپس اصول آن در سال ۱۹۶۷م، در کتاب «انتشار فضایی فرآیند نوآوری»^۱ بسط داده شد. اگرچه نقطه آغاز این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۰). «پخش» در جغرافیا به معنی انتشار گسترش پراکندگی و به هم آمیختگی است. هرچند، خاستگاه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است (نک: شکویی، ۱۳۶۴)، اما در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته می‌شود. مفهوم دیگر مرتبط با نظریه «پخش»، «پخش فضایی»^۲ است که فرایندی است که طی آن نگرش و رفتار مردم تغییر می‌یابد. پخش فضایی عبارت است از: گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده‌اند (شکویی، ۱۳۷۵: ۱/۱-۳۰).

از نظر هاگستراند چند نوع «پخش» وجود دارد: ۱. پخش جابه‌جایی؛^۳ پخش جابه‌جایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در مکان جدید گسترش یابند؛ ۲. پخش سلسله‌مراتبی؛^۴ در این نوع از پخش پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش

1. Toresten Hagerstrand, Innovation Diffusion as a Spatial Process. 1967

2. Spatial diffusion

3. Relocation diffusion

4. Contagious diffusion

می‌یابد؛ ۳. پخش سرایتی یا واگیردار؛^۱ در این نوع پخش گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این دو نوع پخش این افکار اندیشه‌ها و مفاهیم‌اند که انتقال می‌یابند، و چون این انتقال فیزیکی نیست دارای سرعت انتشار بالایی است (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۵).

هاگر استرنند شش عامل زیر را در نظریه خود برجسته می‌کند: ۱. حوزه یا محیط جغرافیایی: این محیط می‌تواند محیط پذیرا - هم‌گرا یا محیط ناپذیرا - واگرا باشد؛ ۲. زمان: عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود؛ ۳. موضوع پخش: مهم است که موضوع پخش در چه حوزه‌ای باشد، امراض واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک یا فعالیت فرهنگی و مبارزات انقلابی (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۱۶۱)؛ ۴. مبدأ پخش: مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها و نوآوری‌ها هستند. ۵. مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آن‌ها می‌رسد؛ ۶. مسیر حرکت: پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد. فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی، مسئله‌ای مهم در ارتباط با پدیده‌ها می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۶؛ برزگر، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۷).

پژوهش حاضر ضمن بررسی نقش فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی به چگونگی تطابق نظریه «پخش» با گسترش عقیده انقلابی در مراکز مختلف آموزشی و در بین فرهنگیان استان می‌پردازد. جریان انتقال افکار و عقاید انقلابی از سوی فرهنگیان چهارمحال و بختیاری به دانش‌آموزان و سایر اقشار مردم بیشتر به صورت

«پخش سرایتی» و «پخش سلسله‌مراتبی» اتفاق افتاد که در ادامه به موارد و مصادیق آن براساس اسناد و تاریخ شفاهی خواهیم پرداخت.

۴. تبیین نقش فرهنگیان چهارمحال و بختیاری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی

یکی از شیوه‌های انتقال و پخش عقاید انقلابی و نوآوری‌های سیاسی در چهارمحال و بختیاری شیوه پخش سلسله‌مراتبی است. فرض این نوع انتقال آن است که مردم تابع نخبگان و گروه‌های مرجع هستند و تا نخبگان آنان را هدایت نکنند، حرکتی انجام نمی‌دهند. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در شهرها و مناطق استان چهارمحال و بختیاری و در نبود مراکز آموزش عالی فعال، فرهنگیان به‌عنوان قشر تحصیل‌کرده جامعه، نفوذ زیادی در بین مردم داشتند. «آنان مرجعیت علمی، سیاسی و اجتماعی داشتند و مردم از آن‌ها آگاهی و بیش‌تر سیاسی کسب می‌کردند» (غفاری، ۱۳۹۷: ۲۴۱). بنابراین در بسیاری از شهرها، مناطق و حتی روستاهای چهارمحال و بختیاری، معلمان و دبیران نقش هدایت‌گری را در جامعه برعهده داشتند و در رشد فعالیت‌های انقلابی نقش مؤثری ایفا نمودند. چنان‌که ساواک چهارمحال و بختیاری در گزارشی به ژاندارمری شهرکرد به فعالیت‌های انقلابی اسماعیل قلی‌پور آموزگار دبستان روستای طاقانک و گروهی از هم‌فکرانش اشاره دارد (مبتا، س. ش ۹۸۷۳/ هـ، تاریخ سند ۱۳۷/۶/۹ [۱۳۵۷]).^۱ حرکت سیاسی فرهنگیان علیه حکومت پهلوی نیز با روشنگری معلمان و دبیران در کلاس‌های درس و تحت تأثیر قرارداد دانش‌آموزان آغاز شد. به‌عنوان نمونه لطف‌الله داودی از فعالان مبارزه انقلابی در استان، از طریق صحبت‌هایی که سرکلاس توسط دبیران انجام می‌شده با جریان‌های سیاسی آشنا شده است (مصاحبه با لطف‌الله داودی، ۱۳۹۵/۸/۱۵). حبیب‌الله فاضلیان نیز که در سال ۱۳۵۵، دانش‌آموز سال اول دبیرستان شاهپور (شهید بهشتی فعلی) شهرکرد بوده، بر نقش پررنگ

1. <https://historydocuments.ir>.

دبیران در جذب دانش‌آموزان برای فعالیت‌های انقلابی و فرهنگی تأکید دارد (مصاحبه با حبیب‌الله فاضلیان، ۱۳۹۶/۶/۹). گزارش‌های بسیاری نیز در اسناد ساواک استان در زمینه آگاهی‌بخشی معلمان به چشم می‌خورد. براساس محتوای یکی از اسناد، مٌخبر ساواک در مهر ۱۳۵۰، با ارسال گزارشی، تحت عنوان: «آقای ماه‌پیشانی دبیر هنرستان صنایع روستایی شهرکرد» به‌طور مشروح و با جزئیات تمام به موضوع مخالفت وی با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، سیاست خارجی رژیم شاه و تأثیرگذاری سخنان وی بر افکار دانش‌آموزان در اعلام مخالفت با رژیم پهلوی اشاره می‌کند (مراسن، س.ش. ۱۹/۴۱۲۶/هـ تاریخ سند ۱۳۵۰/۷/۱۵). بنابراین فرهنگیان چهارمحال و بختیاری با وجود فشار سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی حکومت پهلوی، تحرکات فکری و سیاسی وسیعی برای آگاهی‌بخشی به مردم به‌ویژه دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس استان انجام می‌دادند.

۵. شیوه‌های روشنگری و آگاهی‌بخشی فرهنگیان

معلمان و دبیران از روش‌های مختلف برای انتقال افکار و عقاید انقلابی بهره می‌گرفتند که در واقع به‌عنوان ابزارهای اطلاع‌رسانی عمل کرده و از جمله راه‌های انتقال عقاید انقلابی به شیوه سرایتی بوده است، در ادامه به برخی از این شیوه‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱.۵. **ترویج کتاب‌خوانی و استفاده از هنر نمایش:** یکی از شیوه‌های روشنگری و آگاهی‌بخشی فرهنگیان به دانش‌آموزان در مدارس، معرفی کتاب و ترغیب آنان به مطالعه کتاب‌هایی است که در آن زمان نقشی روشنگرانه برای تداوم مبارزه داشته‌اند. چنان‌که در دهه ۱۳۵۰ در دبیرستان‌های شهرکرد این آثار به دانش‌آموزان معرفی می‌شدند (مصاحبه با احمدرضا بسیج، ۱۳۹۶/۱۲/۲۱). دبیران و کارکنان مدارس همچنین برای ترسیم شرایط روز برای دانش‌آموزان از راه‌های فرهنگی مثل اجرای تئاتر و نمایش، شعرخوانی، نمایشنامه‌خوانی، داستان و غیره بهره می‌بردند. این اقدام دو ویژگی و مزیت بسیار مهم

داشت: اول ای که به خاطر جذابیت آن برای دانش آموزان قابل فهم تر بود و دوم اینکه معلمان در پوشش این قبیل کارهای فرهنگی می توانستند یک مبارزه پنهان با رژیم شاه داشته باشند (رمضانی، ۱۳۹۹: ۱). چنان که به گفته یکی از دانش آموزان دبیرستان شاهپور شهرکرد در سال ۱۳۵۷، تأثیری به نام مجسمه آزادی با هدایت برخی از دبیران، توسط دانش آموزان این دبیرستان تمرین و اجرا شده است (مصاحبه با احمد رضا بسیج، ۱۳۹۶/۱۲/۲۱).

۲.۵. شناسایی دانش آموزان مستعد فعالیت های فرهنگی: از دیگر فعالیت های فرهنگیان در آن سال ها این بود که، دبیران مذهبی، دانش آموزان را در محل تدریس خود شناسایی و به کلاس های تفسیر قرآن و نهج البلاغه هدایت می کردند. حبیب الله فاضلیان، احمد رضا بسیج، خسروی دارانی، محمدعلی صادقی، انصاری، لطفی، مردانی نژاد، برادران پناهی، موسویان و... از جمله دانش آموزان شاغل به تحصیل در دبیرستان های شهرکرد بودند که توسط دبیرانی چون استکی، جعفریان، دانش، ملک پور و... به این کلاس ها هدایت می شدند (مصاحبه با حبیب الله فاضلیان، ۱۳۹۶/۶/۹).

۳.۵. انتقال، تکثیر و توزیع اعلامیه های امام خمینی و رهبران نهضت: یکی از اقدامات فرهنگیان که نقش مؤثری در مبارزات انقلابی داشت، انتقال و توزیع اعلامیه های امام خمینی و رهبران نهضت بود. مصطفی فولادی که در دبیرستان رستاخیز (نجمه فعلی) شهر سامان به تدریس مشغول بود، علاوه بر تشویق و ترغیب دانش آموزان به مطالعه کتاب های مذهبی، بارها اعلامیه های امام خمینی را به شهرستان شهرکرد می آورد و با کمک دیگر مبارزین و نیز دانش آموزان در نقاط مختلف توزیع می کرد (مصاحبه با نسرین ریاحی، ۱۳۹۷/۳/۱). بنابراین تکثیر و توزیع اعلامیه های رهبران نهضت از جمله راه های مهم انتقال عقاید انقلابی به شیوه سرایتی بوده است، زیرا با پخش اعلامیه ها در بین انقلابیون، آن ها در جریان کم و کیف مواضع امام و رهبران نهضت قرار می گرفتند.

۴.۵. شعارنویسی بر روی دیوارها: این اقدام از جمله روش‌هایی بود که در یک فرایند خودجوش و رو به تزاید، توسط خود مردم و بدون نیاز به پشتوانه‌های تشکیلاتی و سوابق مبارزاتی و تجربیات پیچیده عمل سیاسی صورت می‌گرفت و به همین علت هم امکان مقابله با آن از سوی ساواک و مأموران حکومت نظامی وجود نداشت (شجاعی‌زند، ۱۳۸۲: ۱۵۹). اسناد، مدارک و شواهد موجود نشان می‌دهد که این شیوه از مبارزه، در چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۵۴ مورد استفاده قرار می‌گرفته است. گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد، شعارنویسی بر روی دیوار یا روی مقوا و نصب آن از تاکتیک‌های مبارزه انقلابی در استان بوده که بیشتر توسط فرهنگیان انجام می‌شده است (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۹ هـ.تاریخ سند ۵۴/۱/۱۲ و ۱۹/۱۵۹ هـ.تاریخ سند ۵۴/۱/۲۷).

۵.۵. تشکیل کتابخانه و برگزاری نمایشگاه‌های کتاب: این اقدام که اغلب به همت فرهنگیان انجام می‌گرفت، نقش مؤثری در تعمیق و تعمیم بینش اسلامی و انقلابی مردم چهارمحال و بختیاری داشته است. برابر سوابق موجود در سال ۱۳۵۷ یکی از اولین نمایشگاه‌های کتاب‌های مذهبی به تقاضای محمد دانش مدیر مدرسه شبانه‌روزی منصور کوهی و موافقت شهربانی به مدت سه روز^۱ در محل دبیرستان محمدرضا شاه (سیدجمال‌الدین اسدآبادی فعلی) برگزار گردیده که «مقرر شده برابر لیست ارائه‌شده، به معرض تماشا و فروش بگذارد، لیکن در بازدید روز ۵۷/۵/۱ مشاهده شد که ۲۳ جلد کتب ممنوعه که جزو لیست نبوده به معرض فروش گذاشته که موارد جمع‌آوری و متصدی آن به دایره اطلاعات شهربانی، دلالت گردید» (مبتا، ۱۳۸۸: ۴۱۳). هم‌زمان نمایشگاه کتاب دیگری با مشارکت گسترده فرهنگیان، در حسینیه کاروان بروجن و بعدها نمایشگاه‌هایی در مسجد صاحب‌الزمان شهرکرد و شهر فرخ‌شهر و سایر شهرها و حتی روستاهای

۱. در یکی از اسناد موجود در آلبوم شخصی محمد دانش، ایشان از رئیس وقت اداره آموزش و پرورش درخواست کرده تا نمایشگاه به مدت ده روز برگزار شود.

چهارمحال و بختیاری نیز برگزار گردیده که شمار زیادتری از کتاب‌های به اصطلاح ممنوعه را عرضه کرده‌اند. برگزارکنندگان نمایشگاه‌های کتاب از طیف‌های مختلف فکری و سیاسی بودند. ولی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی طیف فرهنگیان مذهبی قوی‌تر عمل می‌کردند (مصاحبه با محمدرضا شفیعی، ۱۳۹۶/۷/۱۹؛ بهرام سمیع، ۱۳۹۵/۸/۱۵). لازم به ذکر است اسناد زیادی نیز با موضوع رسید پرداخت وجوه فروش کتاب‌های نمایشگاه با تاریخ‌های متفاوت وجود دارد که نشان‌دهنده برگزاری مکرر این قبیل نمایشگاه‌ها توسط فرهنگیان با مشارکت سایر گروه‌ها در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ است (اسناد موجود در آلبوم شخصی محمد دانش). بنابراین اقدامات و فعالیت‌های ذکرشده را می‌توان از موارد پخش سرایتی برشمرد که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف چهارمحال و بختیاری ایفا کرده است.

۶. فرهنگیان تأثیرگذار در جریان آگاهی‌بخشی و گسترش فعالیت‌های انقلابی

فرهنگیان یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که با استفاده از شیوه‌های مختلف در پخش عقاید انقلابی با روش سرایتی و سلسله‌مراتبی، در چهارمحال و بختیاری تأثیرگذار بودند. آنان در آگاهی‌بخشی به اقشار مختلف مردم و به‌ویژه دانش‌آموزان نسبت به اوضاع و احوال سیاسی کشور، نقش مؤثری داشتند. لذا ضرورت دارد تا در این قسمت از پژوهش به معرفی برخی از فرهنگیان تأثیرگذار چهارمحال و بختیاری در پخش افکار و عقاید انقلابی در استان به صورت مختصر اشاره کنیم:

۱.۶. **رحمان استکی:** استکی که از سال ۱۳۵۱ به استخدام آموزش و پرورش درآمده بود، اولین نماینده مردم شهرستان شهرکرد در مجلس اول شورای اسلامی است. رحمان استکی در واقعه تروریستی ۷ تیر ۱۳۶۰، دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران به شهادت رسید. استکی، محور اصلی حرکت‌های انقلابی در چهارمحال و بختیاری در دهه ۱۳۵۰، در زمینه

برنامه‌ریزی، سازماندهی و ارتباط با شخصیت‌های مبارز و انقلابی در خارج از استان بود. او با همکاری و هماهنگی محمدعلی صفرنوراللهی مدیر مدرسه علمیه امامیه شهرکرد و سایر انقلابیون، مهم‌ترین نقش را در سازماندهی نیروهای انقلابی در چهارمحال و بختیاری برعهده داشت. وی در زمینه‌هایی چون: انجام سخنرانی در مدارس، مجالس و مراسم، دعوت از سخنرانان مشهور برای ایراد سخنرانی در شهرها و مناطق مختلف استان، نشر و توزیع اعلامیه‌های انقلابی، تشکیل جلسات با موضوعات دینی و مذهبی و سرانجام سازماندهی مخالفان رژیم شاه برای برگزاری اعتصابات و تظاهرات نقش مهمی داشت. چنان‌که در اردیبهشت ۱۳۵۲، مأمور ساواک در گزارشی، به سخنرانی رحمان استکی در دبیرستان دانش فرخ‌شهر اشاره دارد: «آقای استکی آموزگار دبستان سنایی سخنرانی مذهبی ایراد [کرد] که در طی سخنان خود مطالب مزبور را بیان داشتند. چرا ما از غربی‌ها تقلید می‌کنیم؟ چرا دست آمریکایی‌ها بر سر ماست و آن‌ها بر ما آقایی می‌کنند؟ چرا مشایخ نمی‌توانند حرفشان را بزنند؟ چرا دستورات اسلام را عمل نمی‌کنند؟ چرا دین و اجتماع خرابی و غریزدگی را تجدد می‌دانید و سخنان دیگر». مخبر ساواک در پایان این گزارش خود تأکید می‌کند که سخنان استکی تحریک‌کننده بود و دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داد (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۲۱۶/هـ، تاریخ سند ۱۳۵۲/۲/۴). یدالله منزوی از پیش‌کسوتان نظام تعلیم و تربیت چهارمحال و بختیاری، اعتقاد دارد پایه‌گذار حرکت‌های انقلابی در شهرکرد و بسیاری از نقاط استان، رحمان استکی بود (مصاحبه با یدالله منزوی، ۱۳۹۵/۶/۱۷). ابراهیم معتمدی نیز در این باره می‌گوید: «من اولین کسی را که در ارتباط با انقلاب شناختم، رحمان استکی بود که با انقلابیون اصفهان در ارتباط بود» (مصاحبه با ابراهیم معتمدی، ۱۳۹۵/۱/۲۸).

۲.۶. محمد دانش: وی در دهه ۱۳۵۰، مدیر مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی منصور کوهی شهرکرد بود. دانش نسبت به برگزاری جلسات و برنامه‌های مذهبی مستمر در مدارس

۳۹۰..... دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

شاهباز و منصور کوهی و نیز حضور دانش‌آموزان در نماز جماعت شب‌های جمعه، در مسجد صاحب‌الزمان شهرکرد اقدام می‌کرده است (مصاحبه با محمد دانش، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱).

۳.۶. سیدتقی جعفریان: او در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نقش مهمی در ترویج افکار و عقاید مذهبی و مخالفت با برنامه‌ها، نمادها و مظاهر حکومت پهلوی داشت. در یکی از گزارش‌های ساواک با موضوع: «تقی جعفریان آموزگار»، که در اسفند ۱۳۵۱ تنظیم گردیده، آمده است: «جعفریان در روز هفتم محرم، مانع از قرائت مقاله‌ای راجع به مسائل میهنی و ملی و اصلاحات ارضی در صبحگاه دبستان نهم آبان شهرکرد شده است» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۴۳۷۷/۱۹/هـ تاریخ سند ۱۳۵۱/۱۲/۱۶).

۴.۶. حمزه‌علی نیکخواه: وی یکی دیگر از فرهنگیان تأثیرگذار در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری بود که به استناد گزارش‌های ساواک و نیز مدارک و شواهد موجود نقش بسیار مهمی در آگاهی‌بخشی و بسیج انقلابی مردم بروجن و دعوت از سخنرانان، برپایی جلسات و راه‌اندازی اعتصابات و تظاهرات در راستای مبارزه با رژیم پهلوی داشته است.

در یک جمع‌بندی کلی اغلب فرهنگیان چهارمحال و بختیاری با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف فرهنگی و مبارزاتی، پیش‌تاز حرکت‌های انقلابی در استان بوده‌اند.

۷. کانون‌ها و مکان‌های فعال فرهنگیان در مبارزات انقلابی

در استان چهارمحال و بختیاری، همانند سایر نقاط کشور، انقلابیون مکان‌هایی را به‌عنوان مرکز نشر عقاید انقلابی و محلی برای تشکیل جلسات و اجرای برنامه‌های خود قرار داده بودند، که در آن‌ها جریان پخش به‌صورت سلسله‌مراتبی صورت می‌گرفت. انتخاب این مکان‌ها وابسته به ماهیت اقشار فعال و شبکه‌های نشر عقاید انقلابی بود. علاوه بر مساجد

که مکان‌های اصلی و عمومی تجمع فعالان انقلابی بودند، مراکز فرهنگی و آموزشی از اصلی‌ترین کانون‌های تجمع معلمان، دبیران و دانش‌آموزان چهارمحال و بختیاری بوده‌اند و از آنجا که در این نوع پخش، عقاید انقلابی به صورت سلسله‌مراتبی از یک مرکز اصلی به سایر نقاط انتشار پیدا می‌کند. اماکنی که مرکز تجمع و محل تصمیم‌گیری فعالان انقلابی و عقاید آن‌ها به‌شمار می‌روند، مهم‌ترین نقش را در این نوع انتقال عقاید برعهده دارند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مکان‌ها اشاره می‌کنیم:

از جمله مراکز و مکان‌های اصلی فعالیت‌های انقلابی در استان به دبیرستان‌های پسرانه شاهپور (شهید بهشتی فعلی) واقع در میدان استانداری (میدان بسیج فعلی)، امیرکبیر (شهید رحمان استکی فعلی)، هنرستان صنعتی و دبیرستان دخترانه نوربخش (نرجس فعلی) در شهرکرد مرکز استان، می‌توان اشاره کرد (مصاحبه با محمدرضا شفیعی، ۱۳۹۷/۷/۱۹؛ مصاحبه با رضوان رضوی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۵). سالن پیشاهنگی شهرکرد واقع در خیابان مولوی فعلی نیز از مراکز و کانون‌های اصلی تجمع نیروهای انقلابی و در سال ۱۳۵۷ و محل تشکیل جلسات و تجمعات اعتراضی فرهنگیان بوده است. علاوه بر این دبیرستان‌های خشایار (شهدای فعلی)، شهاب (طالقانی فعلی)، ژاله (سمیه فعلی) و مدرسه راهنمایی ماندانا و نیز دانشسرای مقدماتی در بروجن نیز مبدأ و منشأ شکل‌گیری بسیاری از تحرکات انقلابی در این شهر بوده‌اند که در ادامه به نقش آن‌ها خواهیم پرداخت.

در هر حال براساس اسناد و شواهد موجود، اولین اعتراضات عمومی و علنی در شهرهای شهرکرد و بروجن از شهریور ۱۳۵۷ و در جریان برگزاری نماز عید فطر آغاز شده است (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۵/۲۸۸۹، تاریخ سند ۱۳۵۷/۶/۱۴). در گزارش تکمیلی ساواک بروجن، در مورد وقایع این روز اسامی تعدادی از معلمان این شهرستان به‌عنوان شرکت‌کنندگان در تظاهرات ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ ذکر شده است (مبتا، س.ش. ۱۹/۹۹۰۲/هـ).

تاریخ سند ۳۷/۶/۱۶ [۱۳۵۷]. همچنین براساس گزارش‌های موجود و مصاحبه با شاهدان عینی بخش قابل‌توجهی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات این روز در شهرکرد، را فرهنگیان تشکیل می‌داده‌اند (مصاحبه با لطف‌الله داودی، ۱۳۹۵/۸/۱۵).

۸. نیمه دوم سال ۱۳۵۷؛ انقلاب در دست فرهنگیان چهارمحال و بختیاری

در مهر ۱۳۵۷، به محض بازگشایی مدارس، معلمان و دبیران نخستین کسانی بودند که دست به اعتصاب زدند و در نتیجه امکان حضور دانش‌آموزان را در تظاهرات خیابانی فراهم آوردند. بازگشایی مدارس باعث شد تا دامنه اعتصابات و اعتراضات در سراسر کشور به مدارس کشانده شود. در چهارمحال و بختیاری فرهنگیان بیشترین سهم را در برگزاری اعتصابات برعهده داشتند و گزارش‌های روزانه‌ای از تظاهرات و اعتصاب این گروه در اسناد ثبت شده است. معلمان و دبیران شهرهای شهرکرد و بروجن اولین گروهی بودند که دست به اعتصاب زدند و الگویی سیاسی برای دیگر کارمندان ادارات دولتی شدند. از آنجایی که در چهارمحال و بختیاری بیشتر انقلابیون برجسته و شاخص به‌ویژه در شهرهای شهرکرد، بروجن، فرخ‌شهر، سامان، لردگان، اردل و فارسان از قشر فرهنگی بودند. بنابراین یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر رفتار سیاسی دانش‌آموزان و حتی توده مردم در انجام اعتصابات و تظاهرات، دبیران و مدیران مدارس بودند که با طرح وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه، زمینه حضور فراگیرتر آن‌ها را در صحنه اجتماع فراهم می‌ساختند.

در اولین روزهای مهر ۱۳۵۷، معلمان انقلابی بروجن جلسه‌ای به منظور محکوم کردن رفتار رژیم پهلوی در واقعه ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) در سالن اجتماعات دبیرستان شهاب بروجن برگزار کردند. فعالیت‌های انقلابی فرهنگیان در بروجن با هدایت حمزه‌علی نیکخواه به شکل وسیع و سازماندهی شده دنبال می‌شد (مصاحبه با حمزه‌علی نیکخواه، ۱۳۹۶/۵/۲۰). هم‌زمان با بازگشایی مدارس، معلمان انقلابی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، دانش‌آموزان را

در جریان حوادث قرار دادند و از آن‌ها خواستند که همانند سایر شهرها تظاهرات کنند، چنان‌که طبق گزارش ساواک، حفیظ‌الله ناصری مدیر دبیرستان شهاب، حمزه‌علی نیکخواه و ایرج الیاسی دبیران این دبیرستان، به‌عنوان محرکین اصلی تظاهرات و اعتصابات در بروجن معرفی شده‌اند (آلبوم شخصی حمزه‌علی نیکخواه، س.ش ۱۹/۱۰۲۳۴/ هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۹/۸).

دانشسرای مقدماتی تربیت‌معلم بروجن نیز در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰، هم‌زمان با تحولات کشور در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به تدریج به کانونی برای فعالیت‌های سیاسی و اعتراضات علیه حکومت شاه تبدیل شد. اگرچه بسترها و زمینه‌های آن از قبل وجود داشت (مصاحبه با سیدیدالله طاهری، مکاتبه، دی ۱۳۹۵). به‌گفته ماشاءالله حکمی، فعالیت‌ها و اعتراضات علنی علیه حکومت پهلوی در دانشسرای بروجن، از روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، آغاز شده است (مصاحبه با ماشاءالله حکمی، ۱۳۹۵/۸/۲۰).

در هر حال فرارسیدن ماه مهر و بازگشایی مدارس با حضور دانش‌آموزان و دبیران آغازگر روند تظاهرات خیابانی در استان شد. در ۱۳ مهر ۱۳۵۷، رئیس ساواک چهارم‌حال و بختیاری با ارسال نامه‌ای به شهربانی استان، ضمن ارائه گزارشی از اتفاقات رخ داده در صبح همان روز، از احتمال اعتصاب و تظاهرات فرهنگیان شهرکرد و بروجن اظهار نگرانی می‌کند (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۰۰۰۶/ هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۷/۱۳). همچنین بر اساس هماهنگی قبلی به‌عمل‌آمده میان دبیران شاغل در دبیرستان‌های شهرکرد، در روز شنبه ۱۵ مهر ۱۳۵۷، دبیران دبیرستان‌های امیرکبیر، شاهپور، نوربخش و انستیتو تکنولوژی از رفتن به کلاس درس خودداری کردند که همین موضوع زمینه تظاهرات خیابانی دانش‌آموزان را فراهم نمود (مبتا، ۱۳۸۸: ۳۲۸). به‌گفته علی‌اکبر دادایی از شاهدان عینی، اعتراضات ضد حکومتی با هدایت

برخی از دبیران ابتدا از مدارس شروع شد، و کم‌کم به خیابان‌ها کشیده شد (مصاحبه با علی‌اکبر دادایی، ۱۳۹۵/۸/۱۵).

در تداوم مبارزات انقلابی فرهنگی، ساواک استان، در گزارشی با موضوع: «شروع اعتصاب دبیران و تظاهرات»، به وقایع روز ۱۵ مهر در شهرکرد اشاره می‌کند، براساس این گزارش پس از پخش اعلامیه‌های دست‌نویسی مبنی بر هم‌دردی دانش‌آموزان و معلمان استان، با فرهنگیان دیگر شهرهای کشور در دبیرستان‌های امیرکبیر، شاهپور و محمدرضا شاه، دبیران از رفتن به کلاس خودداری و دانش‌آموزان در «محوطه دو دبیرستان اجتماع و مبادرت به دادن شعار به نفع [آیت‌الله] خمینی نمودند. محصلین دبیرستان امیرکبیر ضمن شکستن شیشه‌های دبیرستان به خیابان‌ها ریخته و مبادرت به شکستن شیشه سینماهای زهره و ونوس نموده که [به] وسیله مأمورین انتظامی بدون هیچ حادثه‌ای متفرق گردید[ند]» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۱۹، تاریخ سند ۳۷/۷/۱۸ [۱۳۵۷]). ساواک استان با ارسال گزارشی، محمود صابری دفتردار و عباس نادمی، رحمان استکی و جمال طاهریان از دبیران را به‌عنوان محرکین اعتصاب و تظاهرات دانش‌آموزان دبیرستان امیرکبیر شهرکرد در روز شنبه ۱۵ مهر ۱۳۵۷ معرفی نمود (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۲۷/۱۰۰۲۷/۱۹، تاریخ سند ۳۷/۷/۲۰ [۱۳۵۷]). حوادث این روز شهرکرد، در روزنامه سراسری اطلاعات نیز بازتاب داشت (اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۱۶: ۲۱). همین روزنامه در گزارش دیگری از شهرکرد، از حمله چماق به‌دستان به دانش‌آموزان تظاهرات‌کننده و اعتصاب بازاریان شهرکرد در این روز خبر می‌دهد (همان، ۱۹). با گسترش تظاهرات فرهنگیان در شهرکرد، شهربانی استان که نیروی کافی برای مقابله با تظاهرات‌کنندگان را در اختیار نداشت، از ژاندارمری درخواست کمک نمود.

در عصر روز ۱۶ مهر ۱۳۵۷، با وجود اعتصاب معلمان و دبیران و عدم تشکیل کلاس‌های درس در بیشتر دبیرستان‌ها، فرا رسیدن پنجم اکتبر روز جهانی معلم، فرصت مناسبی را برای

اجتماع معلمان در سالن پیشاهنگی شهرکرد فراهم نمود. مراسم این روز که با حضور استاندار و مدیرکل آموزش و پرورش استان برگزار شد، به صحنه ابراز مخالفت با حکومت پهلوی و نهادهای وابسته به آن، به ویژه ساواک و بیان خواسته‌های فرهنگیان تبدیل شد (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۰۰۲۱/ ۱۹هـ تاریخ سند ۳۷/۷/۱۸ [۱۳۵۷]). به گزارش خبرنگار روزنامه کیهان، «... معلمان شهرکرد نیز که از دو روز قبل دست از کار کشیده‌اند، همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهند» (کیهان، ۱۳۵۷/۷/۱۷: ۲۲).

از نیمه دوم مهر، دامنه اعتصابات و تظاهرات در مدارس و مراکز آموزشی استان به هنرستان‌های فنی و خدمات روستایی و دیگر مدارس شهرکرد و سپس به سایر مراکز آموزشی استان گسترش پیدا کرد (مبتا، ۱۳۸۸: ۳۳۷). بر اساس گزارش ارسالی ساواک استان به فرماندهی هنگ ژاندارمری شهرکرد، «دو نفر از دبیران راهنمایی جونقان، دانش‌آموزان را به تعطیلی مدارس و دادن شعار به نفع [آیت‌الله] خمینی و علیه مقامات مملکت تحریک و تشویق نموده‌اند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۰۰۱۰/ ۱۹هـ تاریخ سند ۳۷/۷/۱۶ [۱۳۵۷]). در همین ارتباط، در روز ۱۶ مهر دو نفر از دبیران دبیرستان امید فارسان، ضمن تهیه دعوتنامه‌ای برای اجتماع معلمان بخش میزدج، در سالن شهرداری فارسان، فهرستی از خواسته‌های معلمان را تهیه و ضمن اعلام پشتیبانی و حمایت از خواسته‌های فرهنگیان شهرکرد، متحد شدند تا زمانی که معلمان شهرکرد به کلاس‌های درس مراجعت نکرده‌اند از حضور در کلاس و تدریس خودداری کنند (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۷۳۴۹/ ۱۹هـ تاریخ سند ۳۷/۷/۱۷ [۱۳۵۷]).

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش استاندار و مدیرکل وقت آموزش و پرورش و تماس آنان با نمایندگان دبیران و معلمان برای پایان دادن به اعتصابات و بازگشت آنان به کلاس‌های درس و حفظ آرامش؛ در روز سه‌شنبه ۱۸ مهر، اعتصابات و

راهپیمایی همچنان ادامه داشته است (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۲۴هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۷/۱۸).

در ادامه مبارزات انقلابی فرهنگیان استان، بنا به دعوت قبلی در ساعت ۱۶ روز سه‌شنبه ۲۴ مهر، حدود ۳۰۰ نفر از معلمان و دبیران جلو سالن پیشاهنگی شهرکرد اجتماع کردند. چون مقامات دولتی قبلاً از این دعوت مطلع شده بودند، به دستور احمد برادر استاندار چهارمحال و بختیاری و محمدعلی مهرداد مدیرکل آموزش و پرورش استان، در ورودی سالن پیشاهنگی که قرار بود جلسهٔ معلمین در آن مکان برگزار شود، قفل گردید. فرهنگیان که با در بسته سالن مواجه شدند، بر اساس گزارش مأموران ساواک، «با تظاهرات آرام به [اداره کل] آموزش و پرورش رفته درب آن را شکسته و وارد محوطه گردیدند و آقای محمد دانش مبادرت به دادن شعار نموده و تعدادی اعلامیهٔ مضره نیز پخش گردید. سپس تظاهرکنندگان در مسیر خیابان فردوسی و مولوی شهرکرد به حرکت درآمده [و] ضمن پیوستن عده‌ای از مردم و محصلین به آن‌ها با دادن شعارهای مضره به راهپیمایی پرداخته و در ساعت ۱۹ همان روز متفرق گردیدند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۶۶هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۷/۲۵ [۱۳۵۷]).

همچنین ساواک استان در ۲۵ مهر ۱۳۵۷، با ارسال نامه‌ای به ساواک کل کشور، از فعالیت‌های ضد رژیم یکی از دبیران دبیرستان دخترانه نوریخس شهرکرد به نام خانم بهجت آشتیانی گزارش می‌دهد (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۶۳هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۷/۲۵ [۱۳۵۷]). در همان روز، ساواک با ارسال گزارش دیگری از طرفداری تعدادی از دبیران مدرسهٔ راهنمایی بزرگمهر (شهید مجتبی استکی فعلی) و راهنمایی کوروش (دهخدای فعلی) شهرکرد، از آیت‌الله خمینی خبر می‌دهد (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۵۲هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۷/۲۵ [۱۳۵۷]).

روزنامه اطلاعات نیز در شماره ۱۵۷۳۷، زیر عنوان: «اعتصاب و اعتراض فرهنگیان و دانشجویان ادامه دارد». در این باره می نویسد: «معلمان شهرکرد با انقضای یک هفته مهلت خود به مقامات مسئول برای رسیدگی به ۲۰ مورد خواسته هایشان دست به یک راهپیمایی زدند. این عده که متجاوز از پانصد نفر بودند از خیابان مولوی حرکت کردند و در مقابل اداره آموزش و پرورش اجتماع نمودند. معلمین اعتصابی در این محل روی زمین نشستند و بار دیگر خواست های خود را مطرح ساختند» (اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۲۷: ۲).

تجمعات و تظاهرات معلمان و دانش آموزان در آبان ۱۳۵۷، با سازمان یابی و شدت بیشتری استمرار یافت. در مواردی نیز تظاهرات و تجمعات به خشونت کشیده شده و پلیس با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوایی با تظاهرکنندگان مقابله می نماید. بنابراین در آبان نه تنها وقفه ای در انجام اعتصابات و تظاهرات فرهنگیان ایجاد نشد، بلکه دامنه اعتراضات به سایر مراکز آموزشی و دیگر مناطق و نواحی استان نیز کشیده شد (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش-۶۱-۵۰۱-۴۴-۱، تاریخ سند ۳۷/۸/۲ [۱۳۵۷]).

در فرخ شهر نیز با هدایت معلمان و دبیران انقلابی، تعطیلی کلاس های درس مدارس آغاز شده بود (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش-۶۴، تاریخ سند ۱۳۵۷/۸/۳). حضور گسترده فرهنگیان در تظاهرات و نگرانی رژیم از این موضوع در اسناد ساواک انعکاس زیادی دارد.

۱.۸. حماسه ششم آبان در شهرکرد

فعالیت های دانش آموزان و معلمان را باید از پایه های اصلی مبارزه علیه رژیم شاه در چهارمحال و بختیاری دانست. مبارزاتی که هرچه پیش رفت شدت و گستره بیشتری یافت و سرانجام به قیام بزرگ دانش آموزان مدارس شهرکرد در روز ۶ آبان ۱۳۵۷ انجامید. در روز ۶ آبان ۱۳۵۷، با هدایت و سازماندهی دبیران انقلابی، دانش آموزان پنج دبیرستان و هنرستان

اصلی شهرکرد یعنی شاهپور، محمدرضا شاه، امیرکبیر، نوربخش و هنرستان صنعتی، موج اصلی تظاهرات را تشکیل دادند و در ادامه تعدادی از محصلین مدارس راهنمایی و عموم مردم نیز به آنها پیوستند و در نهایت جمعیتی بزرگ ابتدا در میدان استانداری و سپس در خیابان‌های اطراف دست به تظاهرات زدند. سرانجام نیروهای شهربانی و ژاندارمری موفق شدند در ساعت ۱۹:۳۰ با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور تظاهرات‌کنندگان را متفرق نمایند. مأمور ساواک ضمن گزارش وقایع فوق، اضافه می‌کند: «چون مأمورین نظامی موجود از جهت مقابله با تظاهرکنندگان کافی نبودند لذا در ساعت ۲۱ همان روز شورای تأمین استان تشکیل و تقاضای اعزام یک گروهان نیروی کمکی از مرکز توپخانه اصفهان گردید(مبتنا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۱۰۲هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۸/۷).

واقعه ششم آبان در شهرکرد، باعث تقویت اتحاد و همبستگی میان مخالفان حکومت پهلوی شد. چنان‌که بر اساس گزارش خبرنگار روزنامه کیهان، اعتراض اصناف و بازاریان شهرکرد، به حمایت مأموران انتظامی از عناصر چماق‌به‌دست در جریان حمله به اجتماع دانش‌آموزان در دبیرستان شاهپور موجب تعطیلی بازار شهرکرد در روز هشتم آبان شده است(کیهان، ۱۳۵۷/۸/۸: ۳).

حماسه ششم آبان حاصل حرکت منسجم گروهی از دانش‌آموزان شهرکردی با هدایت دبیران به‌عنوان هسته اولیه و اصلی و همراه شدن عموم مردم به‌مثابه سیلی خروشان علیه رژیم پهلوی است. در همان ایام برگزاری تظاهرات وسیع فرهنگیان شهرکرد در آبان ۱۳۵۷ موجبات نگرانی شدید مقامات اطلاعاتی و امنیتی استان را فراهم نمود، لذا تمام تلاش خود را برای شناسایی عاملین مؤثر در سازماندهی تظاهرات به کار بستند. ساواک چهارمحال‌وبختیاری در پایان همان روز، با ارسال گزارشی، محمد دانش مدیر مدرسه شبانه‌روزی منصور کوهی، شاهرخ‌ی معاون وی، باقر حسینی کارمند اداره آموزش و پرورش

و منصور قاسمی نژاد را که براساس محتوای این سند، طرفدار آیت الله خمینی هستند، به عنوان محرکین اعتصابات و تظاهرات شهرکرد معرفی می کند (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۱۰۱۰۰ هـ، تاریخ سند ۳۷/۸/۶ [۱۳۵۷]).

سه روز بعد نیز ساواک استان، با ارسال گزارشی به اداره کل سوم ساواک کشور محرکین و فعالین تظاهرات در شهرکرد را تعدادی از فرهنگیان شامل: دبیران، هنرآموزان، دانش آموزان و هنرجویان معرفی می نماید (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۷۵۵۱ هـ تاریخ سند ۳۷/۸/۹ [۱۳۵۷]؛ ۱۹/۱۰۱۰۸ هـ تاریخ سند ۳۷/۸/۶ [۱۳۵۷]).

علاوه بر شهرکرد، سایر مراکز آموزشی استان نیز در روز ششم آبان مرکز اصلی تظاهرات و مخالفت با حکومت پهلوی بود. چنان که بر اساس گزارش ساواک، دامنه اعتصابات و تظاهرات به مدارس شهر جوتقان نیز کشیده شده است: «از بدو تظاهرات و اغتشاشات که در نقاط مختلف کشور از طریق معلمین و دانش آموزان بروز نموده تعدادی از آموزگاران شهر جوتقان نیز [...] از رفتن به کلاس خودداری و ضمن حمایت و پشتیبانی خود از سایر معلمین سعی در تحریک دانش آموزان به منظور برپا کردن تظاهرات می نمایند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۷۴۱۹ هـ تاریخ سند ۳۷/۸/۶ [۱۳۵۷]).

۲.۸. گسترش تظاهرات فرهنگیان در بروجن

در بروجن نیز، تظاهرات دانش آموزان و معلمان در آبان، به یک امر عادی و روزانه تبدیل شد. آن ها علاوه بر تظاهرات و دادن شعار، در برخی از مدارس تصویر شاه و خانواده اش را پایین آورده، عکس آیت الله خمینی را جایگزین کردند و تابلوی برخی از ادارات را که نام خاندان پهلوی را بر خود داشت، شکستند. مردم نیز به تدریج با آن ها در تظاهرات همراه شدند. با آغاز اعتصاب گسترده در اوایل آذرماه، مدارس در بروجن تعطیل می شود (رفیعی،

۱۳۹۴: ۹۹). در آبان‌ماه معلمان به‌صورت هفتگی جلسات خود را برگزار کردند. در روز پنجم آبان تعدادی از فرهنگیان بروجن دست به تظاهرات زدند و در پایان یکی از معلمان در جمع آن‌ها سخنرانی کرد: «در ساعت ۱۰/۱۰ [۱۳۵۷/۸/۵] تعدادی از فرهنگیان به رهبری حمزه‌علی نیکخواه ضمن راهپیمایی در خیابان‌های بروجن دست به تظاهرات زدند که با سخنرانی بیژن برجیان یکی از دبیران متفرق شدند(آلبوم شخصی حمزه‌علی نیکخواه، س.ش ۱۹/۱۰۰۹۷ هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۸/۶).

بر اساس گزارش ساواک، در بروجن در روز ششم آبان، دانش‌آموزان در محوطه دبیرستان شهاب دست به تظاهرات و دادن شعار علیه رژیم زده‌اند. در این برنامه دبیرانی چون حمزه‌علی نیکخواه و ایرج الیاسی نیز با دانش‌آموزان همراهی و برای آنان سخنرانی نموده‌اند. ساواک استان در گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۶، محرکین اعتصابات و تظاهرات بروجن را معرفی نمود که تقریباً همگی از فرهنگیان بودند(مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۱۰۰۹۹ هـ تاریخ سند ۳۷/۸/۶ [۱۳۵۷]). محتوای اسناد بالا به روشنی بیانگر نقش فرهنگیان در فعالیتهای انقلابی علیه حکومت پهلوی است.

۹. تداوم مبارزات انقلابی فرهنگیان چهارمحال و بختیاری از آبان تا بهمن ۱۳۵۷

سرکوب تظاهرات بزرگ ششم آبان، پایان ماجرا نبود. در روز هشتم آبان ۱۳۵۷، فرهنگیان شهرکرد و حومه درحالی که در اعتصاب به‌سر می‌بردند، اجتماع بزرگی در محل سالن پیشاهنگی این شهر تشکیل دادند. در پایان این اجتماع اعتراض‌آمیز، قطعنامه‌ای در ۳۰ ماده تنظیم و فردای آن روز (۹ آبان ۱۳۵۷) پس از تکثیر، بین کلیه فرهنگیان و اهالی شهر توزیع گردید(مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۷۴۴۱ هـ تاریخ سند ۳۷/۸/۱۰ [۱۳۵۷]). گردهمایی فرهنگیان بازتاب وسیعی در مطبوعات کشور داشت. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵۷۴۸، با درج عکسی از گردهمایی معلمان شهرکرد، ماحصل تجمع و قطعنامه معلمان را به شرح ذیل

منعکس کرده است: «کلیه معلمان استان چهارمحال و بختیاری در یک گردهمایی عظیم اعلامیه‌هایی با تصویب همگانی خود در ۳۰ مورد انتشار و تأکید کردند که اگر ظرف مهلت تعیین شده به خواسته‌هایشان جواب مثبت داده نشود، ناگزیر استعفای دسته‌جمعی خود را خواهند نوشت. معلمان استان همچنین در این جلسه اعلام داشتند تا زمانی که به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود، همچنان در اعتصاب به سر خواهند برد». در ادامه این مطلب برخی از خواسته‌های اعتصابیون درج شده است (اطلاعات، ۱۳۵۷/۸/۱۰، به نقل از: مَبتا، ۱۳۸۸: ۳۸۲-۳۸۱). ساواک استان نیز در گزارشی اوضاع شهرکرد در روز ۸ آبان را این گونه توصیف می‌کند: «فرهنگیان شهرکرد امروز (۱۳۵۷/۸/۸) پس از اجتماعی در سالن پیشاهنگی قطع‌نامه‌ای در ۳۰ ماده تنظیم کردند. در تظاهرات امروز شهرکرد شعبانعلی ولی‌زاده دستگیر شد» (مَبتا، ۱۳۸۳، ۴۵۱/۱۴).

در واکنش به اقدامات سرکوب‌گرایانه نیروهای نظامی و امنیتی حکومت پهلوی در دستگیری و ضرب و شتم فرهنگیان و نیز در اعتراض به حضور مستمر و چشم‌گیر نظامیان در خیابان‌های شهرکرد و نسبت دادن آتش‌سوزی و غارت مغازه‌ها به انقلابیون و تظاهرات‌کنندگان؛ در ساعت ۱۰ صبح روز نهم آبان ۱۳۵۷، اجتماع بزرگ اعتراض‌آمیزی با حضور معلمان و دانش‌آموزان در محل محوطه آموزش و پرورش شهرکرد برگزار شد. همچنین بر اساس گزارش ارسالی ساواک استان، در تاریخ ۹ آبان ۱۳۵۷، در شهرکرد «مراکز آموزشی و مغازه‌ها کماکان تعطیل و از صبح روز جاری حدود ۳۰۰ نفر از معلمان به بهانه مجروح شدن جزئی یکی از معلمان در تظاهرات گذشته در آموزش و پرورش شهرکرد اجتماع و قرار شده دادستان شهرکرد با آنان صحبت نماید [...]» (مَبتا، ۱۳۸۳: ۴۹۲/۱۴). در این اجتماع معترضین با نشستن در محوطه اداره، خواهان آزادی دستگیر شدگان شدند و از ورود گروهی از نظامیان از اصفهان به شهرکرد برای سرکوبی اعتراضات سخت انتقاد نمودند (مَبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۰۱۱۱ هـ. ۳۷/۸/۱۰ [۱۳۵۷]).

۴۰۲ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

بر اساس گزارش ساواک، «مراکز آموزشی شهرکرد امروز (۵۷/۸/۱۳) هم تعطیل بود و حدود ۳۰۰ نفر از آموزگاران و دانش‌آموزان در محل اداره آموزش و پرورش اجتماع کردند و سپس دست به راهپیمایی زدند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۱۰۰۱۲۴ هـ تاریخ سند ۸/۱۳/۱۳۵۷).

بر اساس گزارش خبرنگار روزنامه کیهان در روز یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۷، «گروه کثیری از فرهنگیان، دانشجویان، دانش‌آموزان، بازاریان و اصناف شهرکرد اجتماع بزرگی تشکیل دادند. این عده سپس به راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهر پرداختند (کیهان، ۱۴/۸/۱۳۵۷: ۳).

واقعه ۱۳ آبان و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران، در بروجن بازتاب گسترده‌ای داشت. روز ۱۵ آبان ۱۳۵۷، دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه ژاله وارد دبیرستان پسرانه شهاب شده آن‌گاه به رهبری معلمان انقلابی، به صورت دسته‌جمعی به طرف مدرسه راهنمایی ماندانا راهپیمایی کردند و در آن‌جا پس از سخنرانی حمزه‌علی نیکخواه، حشمت صادقی شعری را که مصطفی توفیقی سروده بود برای حاضرین خواند. سپس همگی به سمت میدان یادبود (میدان شهید ناغانی فعلی) حرکت کردند (مصاحبه با حمزه‌علی نیکخواه، ۱۳۹۶/۵/۲۰).

بررسی اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد که، از نیمه آبان ۱۳۵۷ به بعد مناطق مختلف چهارمحال و بختیاری شاهد تحرکات و اقدامات گسترده مخالفان حکومت پهلوی در بین طبقات و اقشار مختلف اجتماعی بوده است. چنان‌که در ادامه وقایع شهر جونقان، ساواک در همان‌روز با ارسال گزارشی از فعالیت‌های ضد رژیم عزیزیان رئیس مدرسه راهنمایی جونقان و اهل فارسان و حیدری دبیر همان مدرسه که مرتباً دانش‌آموزان را تحریک به اخلاگری و تظاهرات علیه کد ۶۶ [شاه] نموده و سعی دارند آنان را به شکستن شیشه وادار

نمایند. ضمناً یادشدگان مدتی است این مدرسه را تعطیل نموده [...]» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۷۴۹۲هـ؛ ۱۹/۷۴۹۴هـ تاریخ اسناد ۱۳۵۷/۸/۲۵).

در تداوم مبارزات فرهنگیان استان علیه رژیم پهلوی، در ساعت ۵ بعدازظهر روز ۲۹ آبان ۱۳۵۷، حدود ۱۵۰ نفر از فرهنگیان به عنوان نمایندگان معلمان شهرکرد و حومه در سالن دبیرستان محمدرضا شاه جلسه‌ای را تشکیل و پس از گفت‌وگو و تبادل نظر بسیار، براساس گزارش مخبر ساواک: «بر اثر تحریکات آقایان رحمان استکی، ایزدی، نصر، لطف‌الله قاسمی، محمد فاضلیان و روح‌الله قاسمی، معلمین تصمیم گرفتند که با انتشار اعلامیه‌ای تا اطلاع ثانوی از رفتن به کلاس‌های درس خودداری نمایند. به‌دنبال این تصمیم در صبح روز ۳۰/۸/۵۷ فرهنگیان با صدور اعلامیه‌ای، اعلام کردند تا زمانی که دولت نظامی ازهاری حاکم بر سرنوشت ملت ماست از رفتن به کلاس درس خودداری خواهیم کرد. پس از صدور این اعلامیه افراد مزبور و رحیم دینی‌پور با مراجعه به مدارس شهرکرد مدارس را وادار به تعطیلی نموده‌اند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۲۱۱هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۹/۲).

معلمان بخش کیار نیز در تاریخ ۴ آذر ۱۳۵۷، طی اعلامیه‌ای، پیوستگی و متابعت خود را با جامعه معلمان شهرکرد و خواست روحانیون اعلام نموده و اضافه کرده‌اند: «تا زمانی که دولت نظامی [ازهاری] حاکم بر سرنوشت ملت ماست از رفتن به کلاس درس خودداری خواهیم کرد [...]». جامعه معلمان بخش کیار ۱۳۵۷/۹/۴» (مبتا، ۱۳۸۸: ۴۱۱).

فرهنگیان بروجنی در آخرین روزهای آبان‌ماه با برگزاری جلسات متعدد درصدد تداوم و گسترش اعتصابات بودند. بر اساس گزارش ساواک در ساعت ۴ بعدازظهر ۱۳۵۷/۸/۲۹ به دنبال دعوت حفیظ‌الله ناصری رئیس دبیرستان شهاب، ایرج الیاسی، حمزه‌علی نیکخواه و صفریان از تمام معلمان مراکز آموزشی بروجن برای تصمیم‌گیری پیرامون اعتصاب و تعطیلی مدارس، در ساعت ۴/۵ جلسه‌ای در سالن دبیرستان شهاب برگزار شد. در این

جلسه، «آقای نیکخواه شخصی به نام داوودی دهاقانی را معرفی که ایشان اعلامیه‌ای را که سراسر اهانت به کد ۶۶ [شاه] بود قرائت» کرد[...]] (آلبوم شخصی حمزه‌علی نیکخواه، س.ش. ۱۹/۱۰۲۳۴ هـ. تاریخ سند ۱۳۵۷/۹/۸). در جلسه روز بعد در همین دبیرستان، گفت‌وگوهای پیرامون اعتصاب و تعطیلی مدارس انجام شد. در این جلسه، پیش‌بینی شد اگر چند نفر از معلمان دستگیر شدند، دیگر معلمان به اعتصاب خود ادامه دهند و در دادگستری یا فرمانداری حاضر شوند و مقرر شد معلمان همه‌روزه جلسه‌ای داشته باشند (آلبوم شخصی حمزه‌علی نیکخواه، سند بدون شماره، تاریخ سند ۱۳۵۷/۸/۲۹). با گسترش اعتصابات معلمان بروجن و تعطیلی مدارس، دبیران در اولین جلسات خود در آذرماه، ضمن اعلام پشتیبانی و همبستگی کامل با جنبش ملت ایران، اعلامیه‌ای مبنی بر تداوم مبارزات و احقاق حقوق حقه و دفع مظالم دستگاه حاکم صادر و به برگزاری جلسات مداوم خود را ادامه می‌دهند.^۱ براساس یکی از اسناد ساواک، در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۴ در جلسه دبیران دبیرستان خشیار، سه نفر از فرهنگیان بروجن به نام‌های حمزه‌علی نیکخواه، ایرج الیاسی و حفیظ‌الله ناصری که گردانده جلسه بودند، از یکی از دبیران حاضر در جلسه به نام رحیمی خواستند تا بخشی از کتاب «طوفان‌ها و لاله‌های شهریور» را بخواند، «که بدین وسیله شور و هیجان حاضرین را برانگیختند و سپس رحیمی و رضوانی دبیر شیمی اعلامیه‌های تحریک‌آمیزی که سراسر اهانت بود خواندند و مقرر شد که آقایان الیاسی، محمد سعیدی، مصلح، ابراهیم‌گودی و چند نفر دیگر ضمن تماس با سایر معلمان شهرستان بروجن به پشتیبانی از فرهنگیان شهرکرد برای مدت نامعلومی دست به اعتصاب بزنند» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش. ۱۹/۱۰۲۳۵ هـ. تاریخ سند ۱۳۵۷/۹/۸).

۱. متن این اعلامیه در آلبوم شخصی حمزه‌علی نیکخواه موجود است که در اختیار نگارندگان قرار گرفت.

همچنین ساواک استان با ارسال گزارشی به ساواک کل کشور، از تکثیر و توزیع اعلامیه‌های ضد رژیم توسط معلمان و طلاب، در بین اهالی شهر بن گزارش می‌دهد. در قسمتی از متن این سند به فعالیت‌های الیاس احمدی از فرهنگیان این شهر اشاره شده است: «[...] الیاس احمدی که شغلش آموزگار و ساکن بن است گاهی دانش‌آموزان را در محل جمع و به تحریک و تشویق آنان علیه مصالح مملکتی می‌پردازد» (مبتا، ۱۳۸۸، س.ش ۱۹/۱۰۲۲۹ هـ تاریخ سند ۱۳۵۷/۹/۷). به گفته سیدیدالله طاهری از آذر ۱۳۵۷ مدارس فرخ‌شهر نیز اغلب با تحصن و تعطیلی همراه بودند و معلمان و دانش‌آموزان درصدد انجام راهپیمایی و آمدن به داخل خیابان‌های شهر بودند (مصاحبه با سیدیدالله طاهری، ۱۳۹۵/۹/۲۳).

تظاهرات گسترده روزهای تاسوعا و عاشورا در سراسر کشور باعث غافل‌گیری مقامات رژیم پهلوی شد. مقامات رژیم که تصور چنین تظاهرات گسترده‌ای را نداشتند درصدد برآمدند تا از مردم انقلابی انتقام بگیرند، لذا در اغلب شهرها تدارک حمله به مردم دیده می‌شد. این اقدامات به صورت هماهنگ در روز ۱۲ محرم (۲۲ آذر) و در واکنش به تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷، برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا درآمد. حدود ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۲۳ آذر، گروهی از عناصر چماق به دست به اداره کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری هجوم برده و ضمن شکستن شیشه‌ها و وارد آوردن آسیب به اتومبیل‌های پارک شده در محوطه اداره، به محل برگزاری جلسه فرهنگیان وارد و آنان را مورد ضرب و جرح و اهانت قرار دادند. در پی این واقعه کانون معلمان شهرکرد در اعتراض به این اقدام چماق به دستان، نامه اعتراضیه‌ای تنظیم و به اداره کل آموزش و پرورش و سایر مقامات مسئول استان ارسال کرد (مبتا، ۱۳۸۸: ۴۳۴-۴۳۵).

در همین ایام محل استیجاری نمایندگی آموزش و پرورش سامان نیز مورد حمله عناصر چماق به دست قرار گرفت. این مکان به بهانه اعتراض به اعتصاب و تعطیلی مدارس، مورد

حمله قرار گرفت در این واقعه سه نفر از کارکنان نمایندگی مجروح شدند(مصاحبه با جهانگیر کبیری، سامان، ۱۳۹۶/۵/۱۷).

با فرارسیدن دی ۱۳۵۷، شمارش معکوس برای سقوط حکومت پهلوی آغاز شد. تحولات مهمی در کشور با شتاب در حال وقوع بود که خبر از روزهای پُر التهابی می‌داد. با پایین کشیده شدن مجسمه شاه در بروجن و شهرکرد در روزهای ۲۶ و ۲۷ دی و نیز تسخیر ساواک استان توسط انقلابیون، به تدریج پاسگاه‌های ژاندارمری و کلانتری‌ها و برخی از ادارات دولتی هم به تسخیر مردم درآمد. راهپیمایی اربعین حسینی در روز جمعه ۲۹ دی ۱۳۵۷، با شکوه تمام در بیشتر شهرها و روستاهای چهارمحال و بختیاری با حضور گسترده مردم برگزار شد. زیرا با خروج شاه شرایط برای برپایی تظاهرات بیش‌ازپیش مهیا شده بود. جامعه معلمان بروجن نیز به همین مناسبت اعلامیه‌ای صادر و از مردم برای شرکت در راهپیمایی اربعین حسینی که در تأیید حکومت عدل به رهبری امام خمینی است، دعوت نمودند.^۱

در پنجم بهمن ماه وقتی اعلام شد که امام خمینی به ایران باز خواهد گشت. برخی از نیروهای انقلابی و به‌ویژه فرهنگیان از شهرها و مناطق مختلف استان برای استقبال از ایشان عازم تهران شدند. در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن برخلاف بسیاری از شهرها و مناطق کشور، چهارمحال و بختیاری روزهای نسبتاً آرامی را می‌گذراند، زیرا پایگاه‌های رژیم در استان دچار فروپاشی شده بود. نیروهای ارتشی اعزامی از اصفهان، شهرکرد را ترک کرده بودند و اگرچه کلانتری مرکزی شهرکرد و هنگ ژاندارمری هنوز به تصرف انقلابیون درنیامده بود ولی مقاومتی از سوی مأموران شهربانی یا بروز درگیری با انقلابیون دیده نمی‌شد(مصاحبه با علی کوهکن، ۱۳۹۵/۷/۱۳).

۱. متن اعلامیه در آلبوم شخصی حمزه علی نیکخواه است که در اختیار نگارندگان قرار گرفت.

جمع‌بندی

با توجه به چهارچوب نظری مقاله، و نیز نتایج و یافته‌های حاصل از این پژوهش، چگونگی انتشار افکار و عقاید انقلابی توسط فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری به دو شکل «سرایتی» و «سلسله‌مراتبی» قابل بررسی است. که از جمله جلوه‌های بارز پخش سرایتی به انتشار اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام و رهبران نهضت، و نیز سخنرانی‌های دبیران و معلمان در مدارس و جلسات مختلف بوده است. علاوه بر این انتشار عقاید انقلابی با شیوه انتقال سلسله‌مراتبی نیز در میان فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری وجود داشته است. در این نوع از پخش، افکار و عقاید انقلابی مانند بیان خواسته‌ها و دلایل نارضایتی، صدور اعلامیه به مناسبت‌های مختلف و تشویق به اعتصاب از یک مدرسه اصلی به سایر مدارس انتشار پیدا می‌کرد. فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری با بهره‌گیری از ظرفیت دانش‌آموزان با مشارکت فعال در اقدامات و فعالیت‌هایی نظیر: آگاهی‌بخشی و روشنگری؛ برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام و رهبران نهضت؛ شعارنویسی در راستای مبارزه با رژیم پهلوی؛ شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات؛ انجام اعتصابات و همکاری با سایر مبارزین و انقلابیون نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در مبارزات انقلابی علیه رژیم شاه و شکل‌گیری انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ داشته‌اند. در این میان مراکز فرهنگی و آموزشی از اصلی‌ترین کانون‌های تجمع معلمان، دبیران و دانش‌آموزان چهارم‌حال و بختیاری بوده‌اند و در این مکان‌ها، عقاید انقلابی به صورت سلسله‌مراتبی از یک مرکز اصلی به سایر نقاط انتشار پیدا کرده است. از مهر ۱۳۵۷ رهبری اصلی جریان انقلاب در چهارم‌حال و بختیاری برعهده فرهنگیان بود. آن‌ها اعتصابات، راهپیمایی‌ها و تظاهرات گسترده را سازماندهی می‌کردند. فرهنگیان چهارم‌حال و بختیاری به عنوان قشر تحصیل‌کرده و مورد اعتماد جامعه به طور مستقیم در مدارس، دانش‌آموزان را به مبارزه و مخالفت با رژیم پهلوی تشویق می‌کردند و

در سازماندهی و برپایی تظاهرات به خوبی ایفای نقش کردند. از آغاز مبارزات گسترده و علنی در اوایل سال ۱۳۵۷، فرهنگیان به شکل های مختلف به مبارزه علیه رژیم پهلوی پرداختند و از ارکان اصلی پیروزی انقلاب اسلامی در چهارمحال و بختیاری بودند. دستاوردهای حاصل از این پژوهش برای شناخت توانایی فرهنگیان به عنوان یک قشر تأثیرگذار برای بسیج توده های مردمی در جنبش های اجتماعی کاربرد دارد. پیشنهاد می گردد نقش سایر گروه های اجتماعی نظیر روحانیون، بازاریان و دانش آموزان در شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در پژوهش های جداگانه ای مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

الف) کتاب، مقاله و پایان‌نامه:

۱. ایزدی، ماشاء‌الله (۱۳۹۵). «تبیین و چگونگی شکل‌گیری مبارزات مردمی چهارم‌حال و بختیاری در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی (۱۳۴۲-۱۳۶۷)»، پایان‌نامه دکترای رشته تاریخ گرایش تاریخ دوران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
۲. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، ش ۸، ص ۳۹-۷۳.
۳. رفیعی‌وردنجانی، مریم (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی در بروجن، بروجن: افضل.
۴. رفیعی‌وردنجانی، مریم (۱۴۰۲). انقلاب اسلامی در شهرکرد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. رمضان، مهدی (۱۳۹۹). «شیوه‌های مبارزاتی فرهنگیان علیه رژیم پهلوی»، روزنامه وطن امروز، س ۱۲، ش ۱۱، <https://irdc.ir>.
۶. زارعی، زهرا (۱۳۹۵). «نقش فرهنگیان شهرستان قزوین در پیروزی انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیرانتفاعی البرز.
۷. سیاح، اکبر، «جغرافیای وقایع انقلاب و دفاع مقدس» (۱۳۹۵). آرشیو بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس چهارم‌حال و بختیاری.
۸. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۲). برهه انقلابی در ایران، تهران: عروج.

۹. شکویی، حسین (۱۳۶۴). *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد:

بنیاد پژوهش‌های آستان‌قدس رضوی.

۱۰. شکویی، حسین (۱۳۷۵). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، ج ۱، تهران: مؤسسه

جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

۱۱. شکویی، حسین (۱۳۷۷). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، ج ۱، تهران:

گیتاشناسی.

۱۲. غفاری‌واحد، اصغر (۱۳۹۷). «نقش فرهنگیان و دانش‌آموزان در جریان انقلاب

اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۳۹-۲۵۱.

۱۳. لستر راوتتری؛ تری جردن (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه

سیمین تولایی، محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۴. نیکوزاد، مریم (۱۳۹۱). «روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در شهرکرد»،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه

شاهد.

ب) اسناد

۱. *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک* (۱۳۸۳). ج ۱۴ و ۱۹، تهران، مرکز بررسی

اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (مبتا).

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (روزشمار چهارم‌حال و بختیاری)

(۱۳۸۸). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (مبتا).

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش.ب: ۰۰۲۸۲۰۶۷، ۰۳۴۹۰۱۰۰.

ج) نشریات و وب‌گاه‌ها:

۱. روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۶ مهر ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۳۰؛ پنج‌شنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۳۷.

۲. روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۷ مهر ۱۳۵۷، ش ۱۰۵۸۴؛ ش ۱۰۵۹۶، پنج‌شنبه ۴ آبان ۱۳۵۷؛ یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۷، ش ۱۰۶۰۴.

د) مصاحبه (تاریخ شفاهی):

۱. مصاحبه با ابراهیم معتمدی قهفرخی، فرخ شهر، ۱۳۹۵/۱/۲۸.

۲. مصاحبه با احمد رضا بسیج دهکردی، شهرکرد، ۱۳۹۶/۱۲/۲۱.

۳. مصاحبه با بهرام سمیع قهفرخی، فرخ شهر، ۱۳۹۵/۸/۱۵.

۴. مصاحبه با جهانگیر کبیری سامانی، سامان، ۱۳۹۶/۵/۱۷.

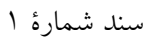
۵. مصاحبه با حبیب‌الله فاضلیان دهکردی، شهرکرد، ۱۳۹۶/۶/۹.

۶. مصاحبه با حمزه‌علی نیکخواه بروجنی، اصفهان، ۱۳۹۶/۵/۲۰.

۷. مصاحبه با رضوان رضوی دهکردی، شهرکرد، ۱۳۹۶/۱۱/۲۵.

۸. مصاحبه با سیدیدالله طاهری، مکاتبه، دی‌ماه ۱۳۹۵.

۹. مصاحبه با علی کوهکن، شهرکرد، ۱۳/۷/۱۳۹۵.
۱۰. مصاحبه با علی اکبر دادایی دهکردی، شهرکرد، ۱۵/۸/۱۳۹۵.
۱۱. مصاحبه با لطف الله داودی دهکردی، شهرکرد، ۱۵/۸/۱۳۹۵.
۱۲. مصاحبه با ماشاءالله حکمی، شلمزار، ۲۰/۸/۱۳۹۵.
۱۳. مصاحبه با محمد دانش شهرکی، شهرکرد، ۲۱/۱۰/۱۳۹۴.
۱۴. مصاحبه با محمدرضا شفیعی قهفرخی، شهرکرد، ۱۹/۷/۱۳۹۶.
۱۵. مصاحبه با نسرین ریاحی سامانی، سامان، ۱/۳/۱۳۹۷.
۱۶. مصاحبه با یدالله منزوی چالشتی، شهرکرد، ۱۷/۶/۱۳۹۵.



گزارش ساواک از سخنرانی ضد حکومتی رحمان استکی، در سال ۱۳۵۲ (مبتا)

صفحه یکم از	صفحه	۹۱۴۸
شماره ۶ از	۸ - منشا	۷ - منشا
۱ - از	۹ - تاریخ وقوع	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
۲ - شماره گزارش	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به مدیر	۱۲ - ملاحظات حفاظتی
۳ - تاریخ گزارش	محل	
۴ - پیوست		
۵ - گیرندگان خبر		
۶ -		

موضوع جلسه معلمان در بروجن
تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۹ - ۵۷/۸/۲۹

ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۵۷/۸/۲۹ گنیه معلمان بروجن به میزبان محلی که از طرف آقایان حلیف الله ناصری رئیس دبیرستان شهاب و حمزه علی نیکخواه و مدیران و ارباب انجمن به محل آمده بود و در سالن دبیرستان ط کوراجتماع و در ساعت ۴/۵ آقای نیکخواه شخصی بنام داور در خانای ناصری که ایشان اعلامیه را که سر اسرار احمد بهنگ ۱۶ بود تفرات گستره آقایان رحیمی و بیروملیان و حمزه علی نیکخواه تفرات نمودند سپس نامهایان دبیر دبیرستان شهاب با اعلامیه خوانده شد و افراد ط کوراجتماع بود که مورد غضب این جده نیکخواه احم کرد و شاید راهنمایی تعلیماتی قرار گرفت و جلسه به نتیجه پایان یافت.

تقریباً غایت چنانچه افراد ط کوراجتماع تعلیم تفرات کردند سایرین سرکار حمزه خوانند و رفته.

تقریباً یکشنبه - (۱۳۵۷/۸/۲۹) به روز تفرات است - وضعیت آقایان ناصری و انجمن - نیکخواه کارمندان اصلی تفرات و اعضا دبیر بروجن هستند و تفرات با تفرات رسیده است.

تقریباً چهارشنبه - تقریباً یکشنبه مورد تفرات است.

طیقه بندی حفاظتی

۵۲-۱۳۱

سند شماره ۲

گزارش ساواک از برگزاری جلسه معلمان بروجن در آبان ۱۳۵۷ (آلبوم شخصی حمزه علی

نیکخواه)